

وظایف کلانتر اصفهان

(بازخوانی یک سند در مورد وظایف کلانتر اصفهان در دوره صفویه)

روح‌الله رنجبر^۱

مقدمه

سند حاضر، فرمان شاه سلطان حسین صفوی است که به تاریخ ذی‌حجه سال ۱۱۲۹ هـ. ق مبنی بر تصدی و اداره روستای مبارک‌آباد به محمد علی جابری، کلانتر شهر اصفهان، واگذار شده است. اصل سند در اندازه ۲۵ × ۴۹ سانتی‌متر در گنجینه اسناد سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود. این سند از نوع رقم به خط شکسته نستعلیق است. سند بر اساس اعتقاد گذشتگان مبنی بر نحوست تربیع، یک صفحه چهارگوش مستطیل شکل است که در قسمت پایین راست آن به طور عمودی قسمتی از آن دچار پارگی شده است.

اهمیت سند حاضر به دلایل زیر است: ۱. آشنایی با یکی از کلانتران اصفهان در اواخر عهد صفوی و صحت موروثی بودن منصب کلانتر در این دوره؛ ۲. آشنایی با یکی از وظایف کلانتران که در چارچوب نظام اداری صفویان قرار می‌گرفتند و ۳. نحوه دریافت مواجب کلانتر اصفهان در دوره صفویه.

منصب کلانتر در عصر صفویه

در دوره صفویان، کلانتران به عنوان یکی از مقامات رسمی و مهم شناخته شدند. کلانتر اصفهان از

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان

اهمیت بیشتری برخوردار بود و در زمره اشراف و اعیان به شمار می‌آمد. شاید یکی از دلایل اهمیت مقام کلانتر، حجم و اهمیت اموری بود که به وی محول شد. از جمله مهم‌ترین وظایف کلانتران به ویژه کلانتر اصفهان، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. یکی از مهم‌ترین وظایف کلانتران، جمع‌آوری همه اصناف و تعیین میزان مالیات آنان بود. کلانتر و وزیر اصفهان، رؤسای بلوکات را نامزد می‌کردند که انتصاب آنان در گرو پذیرش و موافقت دو سوم مردم و رهبران اصناف بود و کارکرد اصلی او، تخمین و جمع‌آوری مالیات بود.^۱ روند کار به این صورت بود که کلانتر باید در سه ماهه نخست هر سال، رؤسای بخش‌ها و نواحی شهر و سران اصناف را فرا می‌خواند و مطابق یک دستورالعمل، سهم مالیاتشان را به نقیب معرفی کند؛ سپس اعضای اصناف و کخدایان، سهم مالیاتی را میان اعضا و ساکنان سرشکن می‌کردند. اسنادی که این تقسیم مالیات در آنها ثبت شده بود، باید به امضای نقیب و کدخدا می‌رسید و توسط محصص مملکت که احتمالاً منشی کلانتر محسوب می‌شد، در دفتر ثبت می‌گردید و نهایتاً فرامین مالیاتی به مهر کلانتر ممه‌ور می‌شد.^۲

۲. تعیین کخدایان و ریش سفیدان از دیگر وظایف کلانتر بود. «تعیین کخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف با مشارالیه [کلانتر] است. به این نحو که سکنه هر محله، صنف و قریه، هر که را امین و معتمد دانند، فیما بین خود تعیین و رضا نامچه به اسم او نوشته و مواجی در وجه او تعیین نموده و به مهر نقیب معتبر نموده، به حضور کلانتر آورده، تعلیقه و خلعت از مشارالیه به جهت او بازیافت می‌نمایند.^۳ ۳. وظیفه دیگر کلانتر، جلوگیری از جبر و تعدی به ضعفا و رعایا بود؛ همچنین به اختلاف رعایا به خصوص نزاع‌هایی که احتمالاً میان اصناف و ساکنان بلوکات روی می‌داد، رسیدگی می‌کرد؛ البته قضاوت و داوری از وظایف کلانتر نبود، بلکه از وی انتظار می‌رفت که «اگر خود تواند رفع نموده، فیها، والا به وکلاء دیوانیان عرض نموده، نگذارد که از اقویا بر ضعفا جبر و تعدی واقع شود».^۴

۴. از دیگر وظایف مهم کلانتر اصفهان، نظارت بر تقسیم آب زاینده رود بود. آب زاینده رود از دوران شاه عباس و به همت شیخ بهائی، نظم و نسقی یافته بود و کشاورزان از بابت این تقسیم آب که موجب رفاه حال آنان شده بود، راضی بودند. بعضاً نیز افرادی بودند که سعی داشتند خارج از چارچوب نظامنامه تقسیم آب عمل کنند که همین امر موجب نزاع می‌شد. کلانتر بایستی در هنگام نزاع در این مورد حضور می‌یافت و بر تقسیم صحیح آب نظارت می‌کرد.^۵

۱. میرزا رفیعا، «دستور الملوک»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، سال شانزدهم، شماره‌های سوم، چهارم، پنجم، ششم، ۱۳۴۸، ص ۴۲۱-۴۲۲.
۲. میرزا سمیعا، تذکره الملوک. به تصحیح سید محمد دبیر سیاقی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۸، ص ۴۷ و مینورسکی، ولادیمیر فدروویچ، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انجمن کتاب، ۱۳۳۴، ص ۱۵۱-۱۵۲.
۳. میرزا سمیعا، همان، ص ۴۸.
۴. میرزا سمیعا، همان، ص ۴۸ و میرزا رفیعا، همان، ص ۵۴۹.
۵. میرزا رفیعا، همان، ص ۵۵۲.

۵. دیگر وظیفه کلانتران، استقبال از شاه و اعیان^۱ و همچنین پذیرایی از سفیران خارجی و فراهم آوردن امکانات اقامتی آنان در اصفهان بود.^۲

۶. گرچه کلانتر جزء مقامات دولتی بود و بایستی فرمانبرداری دولت را مد نظر داشته باشد، اما معمولاً کلانتران در بعضی مواقع در برابر دولت، جانب مردم را می‌گرفتند و نقش سخنگوی مردم را ایفا می‌کردند. برخی از کلانتران در برابر بی‌عدالتی و زیاده‌ستانی حاکم، از مردم دفاع می‌کردند.^۳

از آنجایی که کلانتران واسطه بین حکومت و شهروندان محسوب می‌شدند، در انتخاب کلانتران به رأی و نظر مردم نیز توجه می‌شد. معمولاً کلانتران از افراد بومی و محلی انتخاب می‌شدند.^۴ سعی می‌شد کلانتران از خاندان‌های معروف و سرشناس باشند که موجبات همبستگی و اعتماد مردم فراهم شود.^۵

علاوه بر این، به جهت محلی بودن این منصب، گرایش موروثی نسبت به این مقام نیز وجود داشت و معمولاً از پدر به پسر به ارث می‌رسید. در سند حاضر، مقام کلانتری اصفهان به محمد علی جابری واگذار شده است. از خاندان جابری (انصاری) چندین تن به منصب کلانتری اصفهان دست یافتند؛ البته طبق اسناد موجود، تصدی آنان بر کلانتری اصفهان چندان دوامی نداشت و پس از مدت کوتاهی، جای خود را به دیگر عضو خاندان می‌دادند که علت این جابه‌جایی بایستی مورد پژوهش قرار گیرد. در جدول زیر نام تعدادی از این خاندان که منصب کلانتری اصفهان را در اختیار داشتند، ذکر شده است:^۶

میرزا محمد رفیع جابری	۱۱۱۸ هجری قمری
رفیع‌الدین محمد جابری	۱۱۲۱ هجری قمری
میرزا رفیع محمد جابری	۱۱۲۳ هجری قمری
میرزا محمد تقی جابری	۱۱۲۴ هجری قمری
میرزا محمد علی جابری	۱۱۲۹ هجری قمری
میرزا احمد جابری	۱۱۳۰ - ۱۱۳۳ هجری قمری

۱. نصیری، محمد ابراهیم بن زین العابدین، دست‌نویس شهریاران، به کوشش محمد نادر نصیری مقدم، تهران، بنیاد موقوفه دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴ - ۱۱۵.
۲. بوسه، هربیت، پژوهش در تشکیلات دیوان سالاری، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۳۱۱.
۳. حسینی قمی، احمد بن شرف‌الدین، خلاصه‌التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، ص ۹۰ و تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان، کتابفروشی تایید، ۱۳۳۶، ص ۶۰۶.
۴. بوسه، همان، ص ۲۱۸.
۵. میرزا رفیعا، همان، ص ۴۲۱.
۶. فلور، ویلم، نظام قضایی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، ص ۷۹.

به استناد *فارسنامه ناصری* احتمالاً خاندان جابری به عنوان کلانتر در شهر شیراز نیز حضور فعال داشتند.^۷ استاد مینورسکی در توضیحات خود بر *تذکره الملوک* در خصوص مواجب کلانتر معتقد است که «مواجب کلانتر (در *تذکره الملوک*) ذکر نشده است. از آنجا که مشارالیه بیشتر حافظ منافع اجتماع و عموم بود تا دستگاه حکومت، طبیعی می‌نماید که مواجب و مستمری وی از وجوهی که از اصناف و کسبه اصفهان تحصیل می‌شد، تأمین گردد.^۸

اما در دستور *الملوک* آمده است که کلانتر دستمزد خود را از محل عوارضی که سالانه به صورت سنتی گردآوری می‌شد، دریافت می‌کرد «و مبلغ [. . .] از وجوهات به صیغه مواجب در وجه مشارالیه مقرر است و سوای آن رسوم معمولی دارد که هر ساله از اصناف به دستور مقرر باز یافت می‌نماید».^۹ با مذاقه در متن سند حاضر متوجه می‌شویم که کلانتران در دوره صفویه، دارای مواجب مشخص بودند. در سند چنین آمده است: «از رسوم و غیره در ازای امر مزبور [کلانتری اصفهان] . . . به دستور در وجه مشارالیه شفقت و مرحمت فرمودیم». پس سخن استاد مینورسکی صحت ندارد و کلانتر از جانب دولت مستمری دریافت می‌کرد که به آن رسوم می‌گفتند. دریافت رسوم از سوی کلانتر در عهد آق قویونلوها نیز رایج بوده است که آن را کلانتری، رسوم کلانتری، و مرسوم کلانتر می‌نامیدند.^{۱۰}

از دیگر وظایف کلانتر، کوشش در جهت آباد کردن روستاهای حوزه حکمرانی خود بود؛ البته آبادان کردن روستاها و زمین‌های بایر به ویژه املاک خالصه بنا به نوشته *تذکره الملوک* و دستور *الملوک*، از وظایف وزیر دارالسلطنه اصفهان است.^{۱۱}

از جمله وظایف وزیر اصفهان، جمع‌آوری رعایا و فراهم کردن مستأجر برای آبادانی زمین‌های «سرکار خاصه» بود که فاقد رعیت یا مستأجر باشند. در راستای این وظیفه وزیر اصفهان، کلانتر به عنوان یک مقام زیر دست وزیر اصفهان، موظف بود که رعایا را برای این نوع زمین‌ها فراهم کند و در «زمینه تکثیر زراعات و تعمیر عمارات و قنات و دکاکین و خانات و خالصه و محافظت رعایا که از احدی بر ایشان جبر و تعدی واقع نشود»، تلاش نماید؛ به عبارت دیگر متن فرمانی که در این سند آمده است، با وظایف وزیر اصفهان و کلانتر اصفهان که در *تذکره الملوک* قید گردیده است، هماهنگ و مطابقت دارد. اما محتوای این سند دال بر تداخل وظایف وزیر اصفهان و کلانتر اصفهان نیست، بلکه معمولاً بین وزیر اصفهان و کلانتر اصفهان، روابط متقابلی وجود داشته است. به طوری که در صورت صواب دید کلانتر اصفهان، وزیر

۷. حسینی فسائی، حاج میرزا حسن، *فارسنامه ناصری*، به تصحیح منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۴۸۴.

۸. میرزا سمیعا، همان، ص ۱۵۱.

۹. میرزا رفیعا، ص ۴۲۲.

۱۰. فرهانی منفرد، مهدی، «منصب کلانتر و چند سند در مورد دو تن از کلانتران عصر صفوی»، *گنجینه اسناد*، (ص ۱۹ - ۴) شماره ۳۵ و ۳۶، پاییز و زمستان، ۱۳۷۸، ص ۵.

۱۱. میرزا سمیعا، همان، ص ۴۴ و میرزا رفیعا، همان، ص ۳۱۹.

اصفهان می‌توانسته از زمین‌های کشاورزی بازدید کند.^۱

نتیجه

کلانتر یکی از مهم‌ترین مقامات رسمی در دوره صفویه است که به حق می‌توان با مقام شهردار در دوره کنونی هم‌تراز دانست. بنابر محتوای این سند و تطبیق با متن *تذکره الملوک*، یکی از وظایف کلانتر آبادانی، ناحیه تحت حاکمیتش بوده و کلانتر موظف بوده که محل مورد نظارت خود را آبادان نماید و از حاصل درآمد آن علاوه بر صرف هزینه‌های پیش‌بینی شده، اسناد حسابرسی خود را به امضای مستوفی دربار برساند. در این سند، روند فرامین سلطنتی و نحو نظارت بر آنها به روشنی مشخص شده است. فرمان انتصاب کلانتر، مستقیماً از سوی شاه صادر شده و بر رسیدگی به یکی از نواحی اصفهان تأکید شده است. در این سند از کلانتر جدید خواسته شده که علاوه بر اهتمام در آبادانی ناحیه مزبور، از اعمال فشار بر رعایا نیز خودداری شود.

همچنین به منظور حسن اجرای فرمان، نحوه نظارت بر دستور نیز تعیین شده است که ما را با گوشه ای از نظام اجرایی و نظارتی ادارات صفوی آشنا می‌کند. برابر با متن این سند، دو مقام مستوفی خاصه و وزیر دیوان اعلی در راستای یکدیگر و با رعایت سلسله مراتب بر اجرای فرمان و مخصوصاً حسن اجرای آن نظارت می‌کردند و سرانجام نتیجه این نظارت در دفاتر بایگانی (دفاتر خلود) ثبت و ضبط می‌شد.

متن سند:

[مهر] بسم الله الرحمن الرحيم كمتربن كلب اميرالمؤمنين

حکم جهان مطاع شد آنکه بنابر شفقت بی‌غایت شاهانه و مرحمت بی‌نهایت پادشاهانه درباره نجابت و رفعت [معالی] پناه [شهریاری] النجابه و الرفعه و المعالی میرزا محمد علی جابری کلانتر دارالسلطنه اصفهان از ابتدا پنج ماهه پیچی ینل ضبط و تصدی محال مبارک‌آباد دارالسلطنه اصفهان را به نجابت و رفعت معالی پناه مشارالیه مفوض و مرجوع و آنچه به هر جهت از رسوم و غیره در ازای امر مزبور در وجه قاسمخان متصدی سابق مقرر بوده، به دستور در وجه مشارالیه شفقت و مرحمت فرمودیم که چنانچه باید و شاید و از کاردانی و سعی و اهتمام او سزود، به ضبط و نسق و زراعت و آبادی محال مزبور قیام و اقدام نموده، دقیقه [ای] فوت و فرو گذاشت ننماید و نحوی نماید که محال مزبور، حسب الواقع نسق و زراعت شده توفیر و تفاوت کلی در حاصل و مداخل محال مزبور به هم رسد و حسن سعی رعیت و اهتمام خود را در هر باب بر نواب کامیاب همایون ما ظاهر سازد و هر محلی که رعیت نداشته باشد، رعیت از جای دیگر مستمال ساخته و به آنجا آورده، محل مزبور را زراعت و نسق و آبادان نماید و مال و منال و حاصل محال مذکور را ضبط و مصارفی که مقرر شود، مصروف سازد و سال به سال نسخه منقحه به خط مستوفی سرکار

۱. میرزا سمیعا، همان، ص ۳۲۰.

مزبور درست داشته، به نظر آفتاب اثر رساند که بعد از رقم عالی‌جاه وزیر دیوان اعلی در دفاتر خلود عمل نمایند و در هیچ باب به تقصیر از خود راضی نشده، آنچه لازمه اهتمام است و در هر باب به عمل آورد، ارباب و رعایا و کدخدایان محال [مزبوره] شهریاری مشارالیه را متصدی بالاستقلال و الانفراد محال مزبور دانسته، از سخن و صلاح حسابی او که در باب نسق و زراعت و آبادی محال [مزبوره] گوید، بیرون نروند و اطاعت و انقیاد او را به جای آورند. مستوفیان عظام کرام اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده، از شائبه تغییر و تبدیل، مصون و محروس شناسند.

[تحریر شد]

ذیحجه [الحرام] سنه ۱۱۲۹

توضیحات سند

پیچی ثیل: سال پنجم از تقویم دوازده حیوانی ترکی.

مبارک‌آباد: روستایی که از دهستان‌های ناحیه لنجان نام برده شده است.^۱

رسوم: وجوهی که از طرف مستوفیان دیوانی از عارضان و ارباب حقوق گرفته می‌شد.

قاسمخان: هویت این شخص به عنوان کلانتر اصفهان شناخته نشد.

نسق: نظم دادن، مرتب کردن.

نواب: شاهزاده.

مستمال: استمالت کرده، راضی کرده.

مستوفی سرکار خاصه: در تذکرة الملوك، اطلاعات اندکی از وظایف مستوفی خاصه به دست می‌آید.

وظیفه مستوفی سرکار خاصه در ارتباط با سند حاضر این بود که با همکاری منشیان خود به محاسبه درآمد

مستغلات، اجارات و محصولات بپردازد. همچنین برات‌ها، شرطنامه‌جات، محاسبات ضابطان و مستأجران

را بازدید کند و دستورات لازم را صادر نموده، و وجوه مناسب را پرداخت نماید.^۲

رقم: این واژه از دوره صفوی به صورت اصطلاحی دیوانی و به معنی فرمان و حکم به کار رفته است؛

به عبارت دیگر در این دوره به فرمان‌های پادشاه، اعم از کتبی یا شفاهی و به احکام شاهزادگان و مأموران

عالی‌رتبه دولت عموماً رقم گفته می‌شد.^۳ با توجه به مجموعه اسناد و مطالب دو کتاب تذکرة الملوك و

دستورالملوك، چندین قسم رقم به دست می‌آید. با توجه به فحوای این سند، احتمالاً رقم به معنای مهر

کردن و تأیید و تصدیق نمودن به کار رفته است.^۴

۱. پاپلی یزدی، محمدحسین، فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۵۱۶.

۲. مینورسکی، همان، ص ۴۱ و ۱۰۰.

۳. قائم مقامی، همان، ص ۷۴.

۴. همان، ص ۷۸.

وزیر دیوان اعلی: این مقام دیوانی یکی از مهم‌ترین ارکان حکومتی دوره صفوی بود. وظایف متعددی در کتاب‌های تذکرةالملوک و دستورالملوک برای این مقام عنوان کرده‌اند؛ از جمله این وظایف می‌توان به کلیه انتصابات مقامات، ضبط مالیات، داد و ستد کل مداخل و مخارج دیوانی، تعیین وزراء، مستوفیان، کلانتران، منشیان و مستأجران، تخفیف در مالیات افراد و تعیین محصلان مالیاتی اشاره کرد؛ همچنین برخی از سفرنامه‌ها مذاکره با سفرا و تعیین مشی سیاست خارجی را از وظایف وزیر دیوان اعلی شمرده‌اند.^۱ وزیر دیوان اعلی موجب معین و قطعی نداشت و موجب وی از رسم‌الوزاره و انعام تأمین می‌شد که مبلغ قابل توجهی می‌گشت.^۲

دفاتر خلود: خلود به معنای همیشگی و جاودانی است. اصطلاح دفاتر خلود دو بار در تذکرةالملوک ذکر شده است.^۳ در دوره صفوی رونوشت همه ارقام، احکام، نشان‌ها، پروانچه‌ها، نامه‌ها و اسناد را در دفاتر خلود ثبت می‌کردند.^۴ در واقع دفاتر خلود همانند دایرة بایگانی سازمان‌های کنونی بودند.



۱. مینورسکی، همان، ص ۸۱-۸۵
۲. میرزا سمیعا، همان، ص ۵۲
۳. همان، ص ۶ و ۱۵.
۴. قائم مقامی، همان، ص ۳۳.

